

نماینده فعلی مجلس و شهردار اسبق مشهد در گفت‌وگو با رصد: ناتوانی تعاونی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی اوراق مشارکت کارآمدتر است



رضا حجتکش | تعاونی‌های شهری فرصتی است که زمینه اشتغال‌زایی، افزایش سرمایه و درآمد مردم، تسریع در رشد و توسعه شهرها، هدایت منابع مردمی به طرح‌های اشتغال‌زافراهم شود. اجتماعی- اقتصادی بودن اهداف و فعالیت‌ها، جلوگیری از ایجاد رانت و سوءاستفاده از آن در فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی، جذب و هم‌افزایی سرمایه‌های کوچک و متوسط و به کارگیری آن‌ها در تولید و کارآفرینی، از جمله نقاط قوت تعاونی‌هاست البته بایستی همه این نقاط قوت را در کنار بزرگ‌ترین نقطه ضعف تعاونی‌ها یعنی نداشتن تخصص قرار داد. تعاونی‌ها نمادی از مشارکت مردمی در اقتصاد هستند که متأسفانه تاکنون جایگاه خود را به درستی پیدا نکرده‌اند اما نقش‌پذیری مردم در اقتصاد مقاومتی شهری ما را به این فکر انداخت که آیا تعاونی‌ها می‌توانند در این مسیر ایفای نقش کنند و آیا بستر تعاونی در کشور ما آمادگی و توانایی قبول مسئولیت در این حوزه را دارد؟ این سؤالات را با مهندس سیدهاشم بنی‌هاشمی نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی در میان گذاشتیم تا نظر ایشان را به عنوان کسی که در سال‌های ۸۲ تا ۸۶ شهردار مشهد بوده و در کارنامه خود مدیریت برخی پروژه‌های ملی و همچنین مدیریت اجرایی جهاد سازندگی خراسان را دارد جویا شویم. در ادامه این گفت‌وگو را بخوانید؛

عکس: علیرضا اسکنادی

■ آیا شکل‌گیری تعاونی‌های شهری می‌تواند در مردم محور کردن اقتصاد شهری نقش قابل توجهی ایفا کند؟

من در باره موضوع تعاونی‌ها نظر مثبتی ندارم و باوجود اینکه وزارتخانه‌ای برای تعاونی‌ها تشکیل شده و یک تاریخ نسبتاً طولانی هم دارد اما به دلیل مشکلاتی که در ساختارهای مدیریتی و بدنه آن وجود دارد، این مجموعه نتوانسته کارنامه برجسته‌ای را برای خود به وجود بیاورد اما اینکه ما به صورت مردمی اقتصاد را به پیش ببریم از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است، اقتصاد مقاومتی یک بستر مردمی نیاز دارد، ویژگی اقتصاد مقاومتی مشارکت مردم است و در این نوع اقتصاد تنها دولت نیست که وارد کار می‌شود بلکه دولت پشتیبانی کرده و فعالیت‌ها و ظرفیت‌های مردمی به کار گرفته شده و سازمان‌دهی می‌شوند، حالا اینکه این سازمان‌دهی در قالب تعاونی‌ها شکل بگیرد، نیازمند اصلاح و تعریف دیگر است.

تعاونی‌ها به دلیل نداشتن یکسری شاخصه‌های مدیریتی و برنامه‌ای و به دلیل نداشتن دانش کافی برای انجام امور، موفق نبودند و باید جایگزینی برای آن‌ها در نظر بگیریم. در اقتصاد مقاومتی این مطلب می‌تواند برجسته باشد، به جای اینکه ما صرفاً روی تشکیلات تکیه کنیم که در عین حال تشکیلات لازم انجام یک کار است، بیایم روی پروژه و کار تکیه کنیم، یعنی ابتدا کار را تعریف و بعد تشکیلات را متناسب با کار به وجود بیاوریم، باید متناسب با کار تشکیلات مناسب ایجاد کنید نه اینکه اول تشکیلات ایجاد کنید و هر کاری را در خور تشکیلات قرار بدهیم! باید فرآیند یک کار را که نهایتاً تولید محصول و سود در کنار هم است، مورد توجه قرار داد، تعاونی‌ها باوجود اینکه یک وزارتخانه پشتیبان‌شان بود، نتوانستند مسکن مهر را که یک مسئله حساب شده بود به سرانجام برسانند، در حالی که انبوه‌سازها در بخش مسکن مهر نسبت به تعاونی‌ها خیلی بهتر عمل کردند زیرا انبوه‌سازها برای همین کار ساخته شده بودند اما تعاونی‌ها برای توزیع کالا ساخته شده‌اند و باید این مسئله را هم در نظر داشت که ساخت مسکن یک کار تخصصی است.

■ نمی‌توان ظرفیت بعضی از تعاونی‌های مرتبط که زمینه لازم را دارند نسبت

به انجام پروژه‌های شهری توجیه و توانمند کرد؟ یا نمی‌توان تعاونی‌هایی برای همین منظور که توانایی و دانش لازم را دارند ایجاد کرد؟

توانمندسازی به این معنی است که نتوان‌ها را توانمند کنیم و این یک کار امدادی است اما اینکه شما بخواهید یک کار را خوب انجام دهید، باید افراد را توانمند را بیاورید که آن فرد بتواند کار شما را پیش ببرید، وقتی از ناتوان بهره بگیرید، کار به سرانجام نمی‌رسد و یک چنین مسئله‌ای میان تعاونی‌ها و انبوه‌سازها وجود دارد. تعریف تعاونی‌ها روشن است، شما یک وقت تعاونی تشکیل می‌دهید که به افراد کمک کنید اما گاهی با تشکیلات تعاونی‌ها به دنبال انجام کاری خاص و سودآور هستید، در قانون تجارت می‌بینیم بنگاه‌های اقتصادی اعم از شرکت‌ها، مؤسسات و مجموعه‌هایی که به صورت انفرادی فعالیت می‌کنند، می‌توانند دادوستد مستقیم کنند و حتی یک نفر می‌تواند دلالی هم بکند اما این دلالی و دادوستد نباید شکل کاذبی به خود بگیرد مثل جریان سهام یک شرکت معروف نباید سهام دوهزار تومانی را به ۱۲ هزار تومان بر اثر دلالی و دادوستد نامناسب و ایجاد تورم فروخت زیرا این یک کلاهبرداری است.